

تحلیل الزام‌های مقدمه‌ساز انقلاب اسلامی نسبت به حکومت مهدوی از منظر آیات و روایات

کامران اویسی^۱

چکیده

با توجه به دو بُعد مهم انسان، به عنوان نهاد تشکیل دهنده جامعه، یعنی «آگاهی» و «رفتار»، نقش مقدمه‌ساز حکومت مهدوی در دو ساحت معرفت و عمل از منظر آیات و روایات را می‌توان جست‌وجو کرد. مهم‌ترین الزام‌های معرفتی مقدمه‌ساز که پس از انقلاب اسلامی باید برای مقدمه‌سازی حکومت مهدوی ایجاد یا تقویت شوند، عبارتند از: آگاهی‌افزایی یقینی و اطمینانی اجتماعی در زمینه مهدویت همراه با جلوگیری از گرایش به خرافه و اشاعه آن؛ ایجاد شناخت امیدوارانه به آینده با تشکیل حکومت پیشاظهوری و شبیه‌سازی ذهنی در مقیاس کوچک و نمادین از حکومت مهدوی برای آحاد جامعه؛ تلاش معرفت‌بخش در خارج ساختن اعتزال از مفهوم انتظار و حرکت از انفعال به فعالیت در مقوله انتظار اجتماعی نسبت به مهدویت و تحول روشی در مطالعات مهدویت با پیمایش از گزاره‌پژوهی به سوی دکترین مهدویت. ساحت عملی الزامات مقدمه‌ساز توسط انقلاب اسلامی برای ظهور، عبارتند از: چشاندن طعم موفقیت در سایه فعالیت تشکیلاتی آزمایشی پیشاظهور؛ التزام به ولایت فقیه در دوران غیبت در ساحت مدیریت اجتماعی به مثابه تجربه اندوزی برای ولایت‌پذیری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و ایجاد محور مقاومت به عنوان یکی از بنیان‌های تحقق امت اسلامی یک‌پارچه به انگیزه ایجاد وحدت رویه در درخواست منجی موعود.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، بایسته‌ها، مقدمه‌سازی، حکومت مهدوی، قرآن، حدیث.

مقدمه

تحلیل و بررسی لوازم و ویژگی‌های مورد نیاز، به عنوان بایدها و نبایدها یا بایسته‌ها در انقلاب اسلامی ایران، به ویژه در مرحله استمرار آن همراه با آرزوی اتصال آن به حکومت جهانی مهدوی؛ به عنوان کلید سرایت بخشی آن‌ها از سطح تربیت نیروی مهدوی پیشاظهوری به پساظهوری در حیطه تعالیم شیعی و با تکیه بر قرآن و حدیث مهم و ضروری است. امام خمینی درباره آمادگی اجتماعی برای ظهور به وسیله نهضت انقلاب اسلامی ایران فرموده است:

إن شاء الله اسلام را آن طور که هست، در این مملکت پیاده کنیم و مسلمین جهان نیز اسلام را در ممالک خودشان پیاده کنند و دنیا، دنیای اسلام باشد، و زور و ظلم و جور از دنیا برطرف بشود و این مقدمه باشد برای ظهور ولی عصر- ارواحنا فداه- (خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱۵، ص ۲۶۲).

از سوی دیگر، مباحث مهدویت پژوهی و جایگاه حکومت مهدوی به گونه‌ای است که تنها دیدگاه مقاوم در برابر نظریه جهانی‌سازی دشمن مستکبر است که برای دویست سال آینده، در مباحث مرتبط با آینده بشر (آینده‌پژوهی) برنامه‌ریزی کرده (معین الاسلام، ۱۳۸۳: ص ۴۲۶) و لازم است تا حد امکان، بایسته‌های آن برای چنین آرزوی جهانی بشر از پشتوانه تئوریک این نظریه، یعنی منابع اسلامی، به ویژه قرآن و حدیث کشف و تحلیل شود.

با این توضیح که شناخت بایسته‌های مرتبط با هر چیز، خصوصاً آسیب‌های مربوط به آن اهمیت دارد؛ به گونه‌ای که در برخی روایات، پیش‌نیاز پیشگیری از ضرر هر چیز، آسیب‌شناخت آن معرفی گشته است (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ص ۱۲۰). از سوی دیگر، شناخت مهدویت اساساً بحثی دینی است و شناخت بایدها و نبایدهای حوزه‌های گوناگون آن، مهم است. امیرالمؤمنین، علی علیه السلام می‌فرماید: «مصیبت در دین، بزرگ‌ترین مصیبت است» (ابن عقده، ۱۳۸۲: ص ۱۲۰).

از این رو، توجه به الزامات و بایسته‌های اثباتی یا سلبی در مباحث مهدویت شایسته است؛ به ویژه با لحاظ تمدن جهان‌شمول حکومت مهدوی، لازم است پیش از ظهور و با توجه به فرصت‌سازی حکومت اسلامی ایران در قالب انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران، در کشف بایسته‌های پیش‌گفته، تلاش و آن‌ها را ایجاد یا تقویت و یا در موارد سلبی، رفع و دفع کرد



تا آمادگی فردی و اجتماعی برای درک تمدنی آن حکومت جهانی تحقق یابد.

در پژوهش‌های پیشین، مانند «اندیشه؛ مهدویت و تربیت: عرصه‌های تاثیرگذاری اعتقاد به مهدویت در اصلاح فرد از دیدگاه قرآن و حدیث»، به قلم سیمین صمیمی، نشریه رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی، شماره ۸۱ (صمیمی، ۱۳۹۰: ص ۴۴-۵۱)؛ همچنین مقاله «تربیت سیاسی در پرتو انتظار»، به قلم سید مهدی موسوی، نشریه مشرق موعود، شماره ۶ (موسوی، ۱۳۸۷: ص ۲۳-۴۴)؛ «راهکارهای تربیتی زمینه ساز ظهور؛ برگرفته از احادیث»، نوشته علی نقی فقیهی و دیگران، نشریه مشرق موعود شماره ۲۶ (فقیهی و دیگران، ۱۳۹۲: ص ۶۵-۹۰). به صورت بسیار کلی و اجمالی تا حدی برخی مباحث مرتبط با معرفت و انتظار یا مباحث زمینه ساز ظهور پرداخته شده است که بدون لحاظ نقش انقلاب اسلامی در این زمینه تدوین یافته است.

۱. الزام‌های معرفتی

مهم‌ترین بایسته‌های قابل ذکر در حیطه معرفتی انقلاب اسلامی ایران به عنوان وظیفه مقدمه ساز حکومت جهانی مهدوی از این قرار است:

۱-۱. آگاهی‌افزایی یقینی و اطمینانی اجتماعی

چنان‌که در برخی روایات آمده است، ثبات در دین به میزان قوت یقین فرد وابسته است (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ص ۲۱۷). البته مقصود از یقین در این جا، لزوماً قطع و یقین منطقی نیست، بلکه اعم از یقین و اطمینان، یعنی یقین روان‌شناختی است. توضیح اجمالی مسئله مذکور بدین صورت است که در کتاب‌های لغت، «علم و جهل» در مقابل هم و «یقین و شک» نیز در برابر هم معنا شده‌اند: «الْيَقِينُ: العلم و زوال الشك» (طریحی، ۱۳۷۵: ص ۳۳۱). همچنین برخی لغت‌پژوهان آورده‌اند: «الْيَقِينُ: تَقْيِيزُ الشك، و العلم نَقْيِيزُ الجهل» (ابن منظور، ۱۴۱۱: ج ۱۳، ص ۴۵۷).

پس هرچند یقین از سنخ علم و شک از سنخ جهل است؛ اما یقین علم ویژه و شک نیز جهل خاصی است که بین آن‌ها و علم و جهل تفاوتی ایجاد می‌کند که نهایتاً زیرمجموعه آن‌ها قرار می‌گیرند. یقین علم غیر مشوب به شک و شک، جهلی است با احتمال طرفینی؛ یعنی همین



اندازه که دچار شک نشویم و اطمینان حاصل شود، یقین به دست می‌آید؛ اما ممکن است، علم در مقابل جهل نباشد. شک نیز به معنای تردید است؛ این که معنای مطابقی آن، ندانستن یا جهل باشد (موحدیان عطار، ۱۳۸۷: ص ۴۵-۵۲).

پس نسلی که دچار دودلی یا تردید یا همان شک در مباحث مهدویت است و به اطمینان نرسیده؛ نمی‌تواند گام‌های تمدن‌ساز مرتبط با حکومت جهانی مهدوی را به عنوان گام‌های تمهیدی آن بردارد.

انقلاب اسلامی ایران در این زمینه سبب شد منظومه معرفتی نسبت به مهدویت بیش از پیش در ذهن جامعه ایمانی یا اسلامی شکل گیرد. این مسئله را می‌توان در حیطه‌هایی که در ادامه بیان می‌شود، ملاحظه کرد.

۱-۲. شبیه‌سازی ذهنی در مقیاس کوچک و نمادین از حکومت مهدوی

انقلاب‌ها از لحاظ آرمان شکل‌دهنده آن‌ها به سه دسته قابل انقسام است:

الف) انقلاب‌هایی با آرمان محض سوسیالیستی و کارگری و بدون دخالت معنویت با رویکرد رسیدن به جامعه‌ای بی‌طبقه؛

ب) انقلاب بنا بر هدف نیل به آزادی فردی و رفاه و جامعه لیبرال؛

ج) انقلاب بر اساس آزادی‌خواهی دینی برای اجرای احکام و حدود الهی و توجه به معنویت بشر در عین تأمین معاش دنیوی و مبارزه با مستکبران جهانی؛ مانند انقلاب اسلامی ایران (افتخاری، ۱۳۷۷: ص ۱۵۲).

انقلاب اسلامی ایران، در حالی که اسلامی است و تحت رهبری مرجع تقلید و ولی فقیه به ثمر نشست، در شکل‌گیری نظام و حکومت نیز هم اسلام را لحاظ کرد و هم جمهوریت را لازم دانست؛ یعنی نهاد «مردم»، نقش مهمی در تشکیل و استمرار حکومت اسلامی دارد و در پایه ساختار شکلی خود به دموکراسی به معنای ساختار مردم‌نهاد حکمرانی شباهت‌هایی دارد؛ زیرا دموکراسی بدین معنا فقط تأکید بر مشارکت مردم در تصمیم‌های سیاسی بدون تعین شیوه خاص آن است (ر.ک: پوپر، ۱۳۶۷: ص ۱۱۹)؛ اما قواعد نقش‌آفرینی نهاد مردم نیز بر اساس آموزه‌های دینی چون حق‌والی بر رعیت و حق رعیت بر والی (ر.ک: رضی، ۱۴۱۴: خطبه ۲۱۶،



ص ۳۳۳) دیده شده است. این نوع حکومت گرچه در طول سال‌ها کاستی‌هایی نیز داشته است؛ نمونه غیرمعصومانه یک حکومت دینی شیعی پیش از ظهور منجی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است. پیامبر ص فرمودند:

شما را بشارت می‌دهم به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف... اهل آسمان و زمین از او [و حکومت او] راضی‌اند. و چگونه ممکن است که کسی از حاکمیت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ناراضی باشد و حال آن‌که برای همه جهانیان روشن می‌شود، صلاح امر بشر و سعادت او در همه جنبه‌های مادی و معنوی تنها در سایه حکومت الهی آن حضرت میسر است! (مجلسی، بی‌تا: ج ۵۱، ص ۸۱).

دلالت برخی آیات قرآن بر تشکیل حکومت اسلامی حتی قبل از ظهور و در غیر زمان حضور معصوم با توجه به نظریه ولایت فقیه، به ویژه دلیل عقلی اختلال نظام، قابل بررسی و حتی پذیرش است (ر.ک: خمینی، ۱۳۷۱: ص ۲۳-۲۴).

طرح کلان انقلاب اسلامی ایران برای صدور به نقاط دیگر و حمایت از تمام مستضعفان جهان، نشانه‌ای است از حرکت در جهت زمینه‌سازی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف. امام خمینی در این باره فرمودند: «امیدواریم که این انقلاب، یک انقلاب جهانی بشود، و مقدمه‌ای برای ظهور حضرت بقیة الله - ارواحنا له الفداء - باشد» (خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱۶، ص ۱۳۱).

محور اصلی عقیده امیدوارانه اتصال انقلاب اسلامی ایران و تشکیل حکومت جمهوری اسلامی بر این محور است که حتی با اقرار به چالش‌ها و مشکل‌های موجود در طول مسیر، همچنین با توجه به این‌که ظهور آن حضرت، یک پدیده فراطبیعی و بریده از اوضاع جاری هستی و نظام معاش مردمان نیست، زمینه‌سازی ایجاد آن در اختیار انسان‌ها است و تا آن مقدمات تحقق نیابد، اراده خداوند متعال به تحقق تغییر، تعلق نخواهد گرفت. قرآن در این زمینه فرموده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾؛ درحقیقت خدا آن [سرنوشتی] را که در قومی است، تغییر نمی‌دهد تا این‌که آنچه را در خودشان است، تغییردهند» (رعد: ۱۱).

۳-۱. تلاش معرفت‌بخش در خارج ساختن اعتزال از مفهوم انتظار

در روایاتی، انتظار فرج که مصداق آن، ظهور منجی موعود است، از با فضیلت‌ترین یا محبوب‌ترین عمل‌ها شمرده شده است (ابن عقده، ۱۳۸۲: ص ۱۲۰)؛ اما این، بدین معنا نیست



که فقط دعا کنیم و از تربیت فردی و اجتماعی غافل باشیم (ر.ک: نجفی قمشه‌ای، ۱۳۸۴: ص ۲۱۳). برخی از محققان معاصر، سه عنصر عقیدتی، یعنی ایمان به ظهور منجی موعود، نفسانی به معنای آمادگی شخص منتظر، سلوکی، یعنی تلاش‌های فردی و اجتماعی شخص منتظر برای آماده‌سازی ظهور منجی را در حقیقت انتظار فرج از سوی شخص منتظر لحاظ کرده‌اند (رضوانی، ۱۳۸۵: ص ۴۳). امام خمینی نیز مفهوم انتظار فرج را چیزی بیش از اعتزال عبادی دانسته و فرموده است:

این طور نیست که حالا که ما منتظر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستیم، پس دیگر بنشینیم تو خانه‌هایمان، تسبیح را دست بگیریم و بگوییم: «عجل علی فرجه»، عجل، با کار شما باید تعجیل بشود؛ شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او، و فراهم کردن این که مسلمین را با هم مجتمع کنید؛ همه با هم بشوید؛ ان شاء الله ظهور می‌کند (خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱۸، ص ۲۶۹).

تلاش برای انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی بر پایه داعیه مقدمه‌سازی ظهور، انتظار فرج همراه با صبر و در عین حال فعال بودن که آن را از انفعال چند صدساله یا حتی هزاره خارج کرده است.

۴-۱. تحول روشی در مطالعات مهدویت با پیمایش از گزاره‌پژوهی به سوی دکترین مهدویت وجود و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان پیشروترین مطلب در آرزوها، به عنوان آموزه‌ای دینی به مسلمانان تعلیم داده شده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقَدَّمُ الْمُأْمُولُ» (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۴۹۳).

البته ترجمه «المقدم المأمول» دو گونه قابل طرح است: اول، پیشروی جهانیان و آرزوی آن‌ها؛ دوم، پیشرو آرزوی جهانیان. این خود یک حرکت تربیتی است که اگر در دعاها و طلب‌های در درگاه الهی، سر لوحه آداب دعا قرار داده شود، از عوامل توفیق و حتی استجاب دعاها و دیگر نیز محسوب می‌گردد. بدین بیان که چون حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف از کریمان و دودمان کرم است، با توجه به مفهوم کرامت، در جزای دعا برای فرجش، آن را بی‌پاسخ نگذارده است در این دنیا یا در سرای دیگر، همان یا حاجتی دیگر را برآورده می‌کند. چنان که در برخی ادعیه بدان اشاره شده است: «أَنْتَ يَا مَوْلَايَ كَرِيمٌ مِنْ أَوْلَادِ الْكِرَامِ وَ مَأْمُورٌ بِالصِّيَافَةِ وَ الْإِجَارَةِ

فَأَضْفِنِي وَ أَجْرِنِي» (ابن طاووس، ۱۳۳۰: ص ۳۸).

در دوران انقلاب اسلامی و به ویژه پس از تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران، این طلب و خواسته، از مباحث فردی و متن پژوهی محض مبتنی بر گزاره‌شناسی، به آموزه‌شناسی و سپس دکترین با حفظ دو رویکرد پیشین، تحول و تقویت یافت. مقصود از نگاه گزاره‌ای، پرداخت موضوعی و تک‌واژه‌ای، اما جزئی به مسئله‌های مهدویت و منظور از آموزه‌شناختی، نگاه مجموعی منظم به معارف مهدویت است و دکترین، یعنی نظریه‌ها و راهبردهای کلان مرتبط با مهدویت (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶: ج ۱، ص ۷-۸). برخی از عناصر و مؤلفه‌های دکترین مهدویت عبارتند از: توجه به جایگاه و نقش امام در عصر غیبت، ویژگی‌های جامعه منتظر و آرمان‌شهر مهدوی.

وجود همایش‌های ملی و بین‌المللی، کتاب‌ها، اعم از تک‌نگاشت‌ها و یا موسوعه‌ها، مقاله‌ها و حتی مجلات علمی تخصصی مهدوی پژوهی، کارگاه‌های حضوری و مجازی، تربیت استاد و مبلغ از جامعه طلاب و دانشجویان با جنسیت خواهر و برادر از جمله مهم‌ترین کلان‌نگاه‌های علمی است که به تبع آن، در نگاره کلان نظامی و فرهنگی و اقتصادی و سیاسی نیز وجود دارد. نگاه متمرکزتر و تخصصی‌تر و اصلی‌تر، نه جنبی به دکترین مهدویت و خرده‌عناوین ذیل آن اعم از گزاره‌پژوهی و آموزه‌شناسی به عنوان چینش ایدئولوژیک مقدمه‌های ظهور سزاوار نظام جمهوری اسلامی است.

۲. الزام‌های عملی

مهم‌ترین بایسته‌های قابل ذکر در حیطه عملیاتی انقلاب اسلامی ایران به عنوان وظیفه مقدمه‌ساز حکومت جهانی مهدوی از این قرار است:

۲-۱. چشاندن طعم موفقیت در سایه فعالیت تشکیلاتی

گرچه برخی چون استاد مطهری قائلند که انقلاب اسلامی ایران، فرآیندی اجتماعی بود که بدون کار تشکیلاتی از مساجد شروع شد و به وقوع پیوست (مطهری، ۱۳۸۵: ص ۲۸۷)؛ همان نهضت مردمی تحت رهبری امام خمینی نوعی فعالیت تشکیلاتی مردم‌نهاد محسوب می‌شود.



به همین سبب دکتر بهشتی توجه به ویژگی‌های افراد مسئول، آزادی انتقاد از رهبران، مسئولیت طبقه آگاه‌تر را از اصول سه گانه انضباط تشکیلاتی در اسلام بر شمرده است (ر.ک: حسینی بهشتی، ۱۳۹۵: ص ۴۲-۴۷). تعاون بین خوجه‌های اثناعشری هند در فرآیند جدا شدن از اسماعیلیه و ظلم‌های آقا محمدخان رئیس اسماعیلیه هند و در کشمکش هجرت به شرق آفریقا در اوایل قرن بیستم مصداقی از حرکت اجتماعی شیعی در راه حفظ عقیده است. آن‌ها با تشکیلات مخفی و در اصل با کمک یکی از مجتهدان شیعه نجف، به نام شیخ زین العابدین مازندرانی و نیز مبلغی به اسم ملا قادر که به هند فرستاد، توانستند با استفاده از گسترش ریل راه آهن از هند به شرق آفریقا مهاجرت و به تدریج دیگر خانواده‌های وابسته را نیز پس از کسب تجربه زیستی در مکان جدید، همراه ساخته و در آن جا ساکن کنند (ر.ک: روغنی، ۱۳۸۷: ص ۱۲-۱۳).

آیاتی از قرآن نیز به شکل و حرکت جمعی توصیه و به امر یا به اموری توصیه کرده‌اند که شکل کامل این امور با تشکل و تشکیلات پدید می‌آید. آیاتی که از حزب الله (مائده: ۵۶) یا شیطان (فاطر: ۶ و مجادله: ۱۹) سخن گفته‌اند؛ اذعان ضمنی به تشکیلاتی بودن کار دو گروه دارند؛ اما آن را که پیروز و غالب است، همان حزب الله و نیروی انسانی در سازمان و تشکیلات الهی می‌داند: «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مائده: ۵۶).

برخی از نکات تفسیری که مفسران ذیل آیه مذکور عنوان کرده‌اند عبارت است از: در معنای «حزب» يك نوع تشکل، همبستگی و اجتماع برای تأمین اهداف مشترك وجود دارد. از این رو، این واژه به حکومت اسلامی مربوط می‌شود. مقصود از پیروزی «حِزْبُ اللَّهِ»، هر گونه پیروزی مادی و معنوی است؛ یعنی اگر افرادی جزء حزب خدا قرار گیرند، بدون تردید، در تمام زمینه‌ها پیروز می‌شوند. حزب الله به کسانی گفته می‌شود که دارای ایمان محکم، پارسایی و اعمال شایسته، اتحاد و همبستگی، آگاهی و آمادگی کافی باشند و تنها ولایت خدا، پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام را پذیرفته باشند. اگر مسلمانان همگی چنین صفاتی داشته باشند، پیروزند و اگر برخی از مسلمانان پیروز نمی‌شوند، به خاطر آن است که شرایط عضویت در حزب الله را پیدا نکرده‌اند و به جای اتحاد و مقابله با دشمن، به تضعیف نیروهای یکدیگر می‌پردازند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۴، ص ۴۳۳ و رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ج ۵، ص ۱۵۶). همچنین تکیه بر واژه

«امت» در قرآن، تشکیلی را می‌رساند که همه مردم را شامل نمی‌شود؛ بلکه مردمی را که دارای امامند، در بر می‌گیرد. جدا آوری دو واژه «امت» و «ناس» در آیاتی از قرآن همین را متبادر می‌سازد: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» (آل عمران: ۱۱۰).

مواردی نیز در قرآن قابل استنباط است که امت نوع خاصی از مردمان هستند و بر تمام مردم (ناس) قابل تطبیق نیستند: «وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ» (آل عمران: ۱۰۴).

سبب این نوع کاربرد قرآنی، این است که «امت» در اصل از ماده «ام»، به معنای هر چیزی است که اشیای دیگری به آن ضمیمه گردند و به همین دلیل، «امت» به جماعتی که جنبه وحدتی در میان آن‌ها باشد، گفته می‌شود؛ خواه وحدت از نظر زمان یا از نظر مکان و یا از نظر هدف و مرام باشد. پس به اشخاص متفرق و پراکنده «امت» گفته نمی‌شود؛ اما می‌توان افراد دارای دین و آیین واحد را «امت» خواند (ر.ک: ابن قتیبه، ۱۴۲۳: ص ۲۴۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۸۶ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۳، ص ۳۴).

علاوه بر این‌ها، آیه‌هایی دیگر عنایت بیش‌تر خدا به جماعت متحد در هدف را نسبت به فرد نشان می‌دهد که باید توجه کرد: «يَدُّ اللَّهُ فَوْقَ آيِدِيهِمْ» (فتح: ۱۰).

عبارت قرآنی مذکور، مربوط است به صلح حدیبیه و خروج پیامبر و یاران او برای انجام حج و صلحی که در آن‌جا با فرستادن چندباره سفیران بین او و سران قریش بر عدم جنگ و آمدن به حج در سال بعدی شکل گرفت. در این‌جا به سبب شیطنت کفار قریش در توقیف برخی از سفیران پیامبر، برای جنگ در صورت پیمان‌شکنی مشرکان، بیعتی انجام گرفت که به «بیعت رضوان» مشهور است و از نمونه کارهای تشکیلاتی پیامبر در اوایل امر خود محسوب می‌شود (ر.ک: طبرسی، ۱۴۱۲: ج ۴، ص ۱۳۶).

همچنین در قرآن تعریفی که از «اصحاب کهف» می‌شود: گروهی متشکل (فتیه) و دارای ارتباطات مخفی بوده‌اند. از واژه فتیه استفاده شده است که گرچه در لغت به «جوانان» معنا شده است؛ اما یکی از وجوه معنای آن جوانمردان و کسانی (حتی افراد مسن) که دارای مرام مرؤت هستند. این مرام برای اصحاب کهف، بر این اساس که ایمان و قیام برای توحید را در امور خویش قرار داده بودند، نوعی مرام و وجه شاخص محسوب شده است (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۶۲۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ج ۱۲، ص ۳۶۰ و صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ج ۱۸،



ص ۳۳). «إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى» (کهف: ۱۳).

تأثیری که تجربه کار تشکیلاتی به معنای اجتماع هدف دار توده مردم در انقلاب اسلامی به دست آمد، برای مقدمه سازی ظهور نیز لازم است از آن استفاده گردد؛ یعنی انجام کار تشکیلاتی در قالب فعالیت های جمعی دعاخوانی و انتظار، امور عام المنفعه به نیت ظهور (ر.ک: هدایت نسب، ۱۳۹۹: ص ۳۵-۶۴).

تشکیلات در بدنه هر حکومتی حتی حکومت جهانی مهدوی وجود دارد. به عنوان مثال، در برخی متون اسلامی آمده است که یاران حضرت، به رده های مختلفی چون ابدال و اوتاد و دیگر گروه ها تقسیم می شوند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْأَبْدَالِ وَالْأَوْلَادِ وَالسِّيَّاحِ وَالْعُبَادِ وَالْمُخْلِصِينَ وَالزُّهَادِ وَالْأَهْلِ الْحَيِّدِ وَالْإِجْتِهَادِ» (طوسی، ۱۴۱۱: ج ۲، ص ۸۰۹).

گفته شده است که زمین از قطب و چهار اوتاد و چهل ابدال و هفتاد نجیب و سی صد و شصت صالح خالی نیست. مقصود از قطب، مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ است و اوتاد کم تر از چهار نمی شود و خضر و الیاس از اوتادند. دنیا مانند خیمه است و امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ مانند عمود آن و این چهار نفر طناب های آن. گاه می شود، اوتاد از چهار و ابدال از چهل و نجبا از هفتاد و صلحا از سی صد و شصت بیش تر باشند (مجلسی، ۱۴۱۱: ج ۵۳، ص ۳۰۱ و امینی گلستانی، ۱۳۸۵: ج ۲، ص ۵۵). شهید صدر درباره نیروسازی تشکیلاتی معتقد است اگر نهضتی از حیث ایدئولوژی کیفیت و کمیت خوبی دارا باشد؛ اما از منظر نیروی انسانی و کنش اجتماعی نقص داشته باشد، موقت بوده، به نتیجه تاریخ ساز نمی رسد (ر.ک: حسینی، ۱۹۸۹: ص ۳۴۵-۳۶۵).

این نکته با عرضه به تاریخ صدر اسلام قابل ملاحظه است. روزی معاویه گروهی از سپاه خود را که از آشوب گران بودند، اجیر می کند تا به سمت مرزهای حکومت علوی حمله کنند. سفیان بن عوف غامدی با شش هزار نفر به شهر الانبار تاخت و ابوحنسان بن حسان بکری که از کارگزاران حضرت بود با ۳۰ نفر به مقابله با وی شتافت و کشته شد. پس از این اتفاق، حضرت امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود:

شگفتا، شگفتا! به خدا سوگند قلب را می میراند و غم و اندوه را به روح انسان سرازیر می کند که آن ها در مسیر باطل خود، چنین متحدند و شما، در طریق حقتان، این گونه پراکنده و متفرق! (رضی، ۱۴۱۴: خطبه ۲۷، ص ۷۰).



بنابراین از رموز پیروزی، همین داشتن اجتماع و تشکیلات در مسیر حق و مبارزه با باطل است.

۲-۲. التزام به ولایت فقیه، تمرین ولایت پذیری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

پذیرش ولایت فقیه در عصر غیبت، خود تمرینی است برای پذیرش راحت تر ولایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف. توضیح این که برخی از فقها، شئون پیامبر را در سه شأن رسالت، قضاوت و حکومت بر شمرده‌اند (ر.ک: خمینی، ۱۴۳۴: ص ۶۶-۶۹). آیاتی از قرآن هم منطوقاً و هم مفهوماً بیان می‌دارد که گستره دین در جامعه نباید قائم به شخص پیامبر باشد؛ بلکه قائم به شخصیت ایشان است، مانند: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ؟» و محمد صلى الله عليه وآله جز فرستاده‌ای نیست. به یقین پیش از او [نیز] فرستادگان [دیگری] بودند، پس آیا اگر [او] بمیرد و یا کشته شود، به [عقاید کفرآمیز] گذشته‌هایتان باز می‌گردید؟! (آل عمران: ۱۴۴).

با توجه به این مطلب، شأن رسالت ایشان، طبق ضرورت دین و مذهب - مذکور در بحث خاتمیت - ادامه نمی‌یابد (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۱: ج ۲۱، ص ۱۲۰). آنچه در آن اختلاف است، استمرار تام دو شأن قضاوت و حکومت برای فقیه حاکم اسلامی در دوران غیبت بر اساس نظریه‌های ولایت فقیه مانند ولایت مطلقه فقیه یا ولایت مقیده و بر اساس اختلاف مبانی در قلمرو ولایت فقیه (فقط امور حسبه، امور حسبه و قضاوت، امور حسبه و قضاوت و اجرای حدود، تمام شئون حکومتی معصومان) است (ر.ک: کریمی، ۱۳۷۸: ج ۲۱، ص ۷۶-۸۰).

قرآن کریم در آیه ۳۵ سوره احزاب، پس از آن که اوصاف اصلی مردان و زنان مؤمن را برمی‌شمارد، بلافاصله در آیه بعدی سخن از ولایت‌پذیری به میان آورده است: «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ...»؛ و هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد که چون خدا و فرستاده‌اش به کاری فرمان دهند، برای آنان در کارشان اختیاری باشد... (احزاب: ۳۶).

تأملی در سیاق این دو آیه و ترتیب آن نشان می‌دهد که تحقق اوصاف برجسته ایمانی شرط لازم برای تحقق ولایت‌پذیری در حدّ اعلای آن است (ر.ک: ذوعلم، ۱۳۸۰: ص ۵۰). یعنی افرادی



شاخص ولایت‌پذیری را دارند که دارای صفات عالیه ایمانی باشند که زیر بنای آن، معرفت و بصیرت است.

یکی از شئون پیامبر ﷺ، قیادت و رهبری جامعه اسلامی است که پس از وی به افضل و اکمل امت می‌رسد (ر.ک؛ سبحانی، ۱۴۲۱: ص ۱۲۸)؛ که طبق دیدگاه امامیه، امامان معصوم علیهم‌السلام هستند. امام خمینی رحمته‌الله‌علیه بین فرمان پیامبر و امام در این منصب با اوامر و نواهی آن‌ها در مقام رسالت و امامت تفاوت قائل است. در این جا خود امر و فرمان موضوعیت دارد؛ اما در مقام تبلیغ و رسالت و امامت، رابطه اوامر و نواهی با مردم، مانند رابطه بین فقیه و مرجع تقلید است که از او تقلید می‌کنند (ر.ک: خمینی، ۱۴۳۴: ص ۶۷).

قرآن کریم به شأن قضاوت و داوری پیامبر اشاره کرده است. آن جا که می‌فرماید: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»؛ [ولی چنین] نیست، به پروردگارت سوگند! که آن‌ها ایمان [حقیقی] نخواهند آورد، تا این که در مورد آنچه در میان‌شان اختلاف کردند، تو را داور گردانند؛ سپس از داوری تو در جان‌شان هیچ [دل] تنگی نیابند، و کاملاً تسلیم شوند (نساء: ۶۵)».

ظاهر سیاق در بدو نظر چنین می‌نماید که این آیه رد بر منافقان است که خیال کردند به پیامبر ایمان آوردند و در عین حال، داوری را نزد طاغوت می‌برند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۴، ص ۴۰۵). پیامبر ﷺ خود در مدینه قضاوت می‌کرد و برای شهرهای دیگر افرادی را که صلاحیت داشتند به عنوان قاضی اعزام می‌فرمود (صالح، ۱۹۶۵: ص ۳۱۹). با توجه به ظاهر آیه «یا داؤدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ»؛ ای داود! در واقع ما تو را جانشین [نماینده خود] در زمین قرار دادیم؛ پس بین مردم بحق داوری کن (ص: ۲۶)». قضاوت به مناصب خلافت مربوط است که در پیامبر و امام و نایب امام تجلی می‌یابد (ر.ک: خمینی، ۱۴۲۶: ص ۲۰).

به دنبال ولایت‌مداری، نظم در جامعه برقرار خواهد شد. حضرت زهرا علیها‌السلام در این باره فرموده‌اند:

فَجَعَلَ اللهُ... إِطَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ وَ إِمَامَتَنَا أَمَانًا لِلْفِرْقَةِ؛ خدا اطاعت از ما اهل بیت را سبب برقراری نظم اجتماعی در امت و امامت ما را عامل وحدت و در امان ماندن از

تفرقه‌ها قرار داده است (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۱، ص ۹۹ و مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۳، ص ۱۵۸).

امام رضا علیه السلام در بیانی، بعد از ذکر بعضی از ادله درباره دلیل وجود ولی امر، می‌فرماید:

... وَ مِنْهَا: أَنَا لَا أَحِدُ فِرْقَةً مِنَ الْفِرَقِ وَلَا مِلَّةً مِنَ الْمِلَلِ عَاشُوا وَ بَقُوا إِلَّا بِقِيَمٍ وَ رَيْسِي، لَمَّا لَا بُدَّ لَهُمْ مِنْهُ فِي أَمْرِ الدِّينِ وَ الدُّنْيَا، فَلَمْ يَجِزْ فِي حِكْمَةِ الْحَكِيمِ أَنْ يُتْرَكَ الْخَلْقَ وَ هُوَ يَعْلَمُ إِنَّهُ لَا بُدَّ لَهُمْ إِلَّا بِهِ... ما هیچ گروه یا ملتی را نیافتیم که بتواند به حیات و بقای خود ادامه دهد، مگر با وجود سرپرست، قیّم و رئیسی [که به امور آنان رسیدگی کند]؛ زیرا مردم به ناچار به وجود سرپرستی نیاز دارند که کارهای دنیا و آخرت آنان را تنظیم کند (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۱۰۱).

گرچه از این حدیث برای ولایت اهل بیت علیهم السلام استفاده شده، هر مخاطب آگاهی متوجه می‌شود که لسان حدیث، کلی است و مطمئناً یکی از آن اقوام، مسلمانان و شیعیان آخرالزمان و در زمان غیبت هستند که طبق ادامه همین حدیث، نیاز دارند حکومت و حاکمی داشته باشند که حقّ مظلوم خود را از ظالم بگیرد و لشکری برای مقابله با دشمنان خارجی ایجاد و نیز اموال عمومی و بیت‌المال را بین ایشان تقسیم و اجتماعات مذهبی را در میان آن‌ها بر پا و رهبری کند و امر دین و دنیای آن‌ها را در دوران غیبت اصلاح و سرپرستی کند.

انقلاب اسلامی ایران و به‌ویژه پس از تصویب ولایت مطلقه فقیه در قانون اساسی، ولایت‌مداری را به صورت نهادینه امتحان و تجربه کردند. ثمره و فواید آن عبارت است از ایجاد اتحاد، رفع اختلاف بین قوا، فصل الخطاب بودن در بزنگاه‌های سیاسی- اجتماعی، دفاع از حقوق عامه (چراغی کوتیانی، ۱۳۸۹: ج ۲، ص ۱۷۵). امام خمینی رحمته الله علیه به یکی از کارکردهای ولایت فقیه که نظارت بر قوا و نهادهاست، اشاره کرده است: «ولایت فقیه، ولایت بر امور است که نگذارد این امور از مجاری خودش بیرون برود» (خمینی، ۱۳۸۹: ج ۱۰، ص ۳۱۱).

این تجربه و دیدن آثار مثبت آن، سبب می‌شود تا مردم نیز به مقوله ولایت، خوشبین شوند و به تمهید و مساعدت نسبت به اقتضانات ظهور مبادرت ورزند. همچنین انقلاب اسلامی ایران به تبع نظریه مترقی ولایت فقیه، سبب گشت تا شأن فقیه در عصر غیبت افزایش یابد؛ نظام اجتهاد فقهی بر پایه این نظریه از سوی برخی از فقها، متحول گردد و مصلحت حکومت دینی نسبت به دیگر شعائر دینی، اولویت بیش‌تری پیدا کند (ر.ک: کاظمی وریج، ۱۳۸۱: ص ۱۵۲).



این خود بایسته‌ای برای ارزشمندسازی و ارتقای جایگاه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت مهدوی خواهد بود.

۲-۳. گسترش رفاه اجتماعی و زادیش فقر

گرچه پس از انقلاب به سبب تحریم‌ها و بی‌تجربگی برخی مسئولان و نیز جنگ تحمیلی، جریان نفوذ و تصمیم‌های اشتباه، رفاه اجتماعی، آن چنان که توقع می‌رفت، به خوبی به منزل مقصود نرسیده است؛ اما نسبت به پیش از انقلاب، بر اساس میزان جمعیت و عمق مشکلات داخلی و خارجی، قابل مقایسه نیست (ر.ک: محمدی، ۱۳۸۴: ص ۱۱۱-۱۱۸). از طرفی نیز یکی از اهداف تشکیل انقلاب اسلامی، تشکیل حکومت اسلامی برای رسیدگی به مستضعفان و کوخ‌نشینان بوده است (خمینی، ۱۳۸۹: ج ۲، ص ۳۴۳).

این‌که انقلاب اسلامی با این هدف، نهضت را شروع کرد، جزء بایسته‌هایی است که نباید فراموش شود و این، خود، مقدمه‌ساز ظهور منجی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است که طبق برخی از روایات، حکومت مهدوی، ریشه‌کن کننده فقر خواهد بود؛ مانند روایات نمایان شدن برکات زمین در زمان ظهور حضرت: «أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بُرْكَاتَهَا وَ رَدَّتْ كُلُّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ» (مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۳۸۴).

نکته مهم دیگر که در برخی روایات آمده است، جهت‌دهی به ثروت است. یعنی ثروت، معنای مال‌اندوزی را از دست خواهد داد و به معنای تعاون مالی و امکاناتی نزدیک‌تر می‌شود؛ مانند روایتی مبنی بر این‌که تمکن مالی در بین مردم همگانی می‌شود: «فَلَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعاً لِيَصَدَّقَ بِهِ وَ لَا لِيَبْرَهُ لِيُشْمُولَ الْغَنَى جَمِيعَ الْمُؤْمِنِينَ» (همان، ص ۳۸۴-۳۸۵)؛ و این، همان آرمانی است که انقلاب اسلامی دنبال تحقق آن بود.

انقلاب اسلامی نیز در مرحله نظر و تا حدی در مرحله عمل، در این مسیر حرکت کرد. ایجاد تعاونی‌های مصرف و بسیج اقتصادی، ارائه یارانه مستقیم و غیر مستقیم، فعالیت‌های بنیاد مستضعفان و کمیته امداد امام خمینی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، از جمله این موارد محسوب می‌شود که نسبت به زمان پیش از انقلاب، رشد کمی و کیفی رفاه، به‌ویژه در مناطق کم‌تر برخوردار طبق آمار و گزارش‌ها به‌طور محسوس ملاحظه می‌شود (ر.ک: سیاه‌پوش، ۱۳۹۷:

ص ۱۴۱-۱۶۴). این اقدام‌ها، علاقه‌مندی گرایشی و قلبی مردم، به ویژه قشر مستضعف را به انقلاب اسلامی و حکومت اسلامی در زمان غیبت ایجاد می‌کند. با قیاس اولویت، زمانی که حکومت اسلامی فقیه غیر معصوم و نهاد مردم‌سالاری دینی، چنین برکاتی را بتواند ایجاد کند، حکومت مهدوی به مراتب بهتر و کامل‌تر آن را محقق خواهد ساخت. از این‌رو، مردم در قلب و زبان و عمل برای مقدمه‌سازی ظهور رغبت بیش‌تری خواهند داشت.

۲-۴. ایجاد محور مقاومت به عنوان یکی از بنیان‌های تحقق امت اسلامی

از مزایا و شاخص‌های بسترساز انقلاب اسلامی، عملیاتی کردن ایجاد جبهه واحد در مقابل دشمنان است و این‌که نه تنها در ایران، بلکه در دیگر کشورها و سرزمین‌ها نیز مقاومت اسلامی، به عنوان تلاش برای برپایی نظام‌های اسلامی و برچیدن نظام‌های مستکبران جهانی و صهیونیسم مطرح است. این فعالیت‌ها، به تأسی از انقلاب اسلامی ایران، با محوریت قرائت شیعی؛ اما با نگاه جهان‌شمول و تقریب‌گرا، محقق شده است؛ از جمله جنبش‌های برگرفته از انقلاب اسلامی ایران در قالب حزب‌های «امل» و «حزب الله» لبنان، «حزب الدعوة الاسلامی» و «حشد الشعبی» در عراق، «سازمان انقلاب اسلامی شبه جزیره عربستان» در استان قطیف عربستان سعودی، «جبهه اسلامی برای آزادی بحرین» در کشور بحرین، «حزب الله کویت» در کشور کویت، «سازمان جماعة الاسلامیة» و «جنبش اخوان المسلمین» در دوره سادات در مصر، «جبهه نجات اسلامی» در الجزایر، «جنبش گرایش السامی» در تونس، «جهاد اسلامی» در فلسطین (ر.ک: ملکوتیان، ۱۳۹۰: ص ۱۹۵-۱۹۸).

اما آنچه سبب می‌شود تا جبهه مقاومت با محوریت انقلاب اسلامی ایران و نظام اسلامی آن، بایسته مقدمه‌ساز حکومت جهانی منجی موعود گردد؛ گام برداشتن در مسیر امت اسلامی است که نتیجه ظهور در کنار تشکیل حکومت جهانی اسلامی است. توضیح این‌که از نظر برخی از متفکران اسلامی، واژه امت در معنایی نزدیک به ملت (شعب) نیز به کار می‌رود. طبعاً در این کاربرد مقصود از امت گروه بزرگی از مردم است که دارای زبان یکسان با دین واحد و یا سرزمین جغرافیایی یکسانی هستند (ر.ک: ابراهیمی و دیگران، ۱۳۷۹: ص ۱۰۳).

همچنین آیت الله صدر در تعریف امت می‌نویسد:



امت یعنی وجود جمعی مردم، نه این یا آن فرد... یعنی گروهی که بین افرادش روابط و پیوندهایی بر اساس مجموعه‌ای از افکار و آرمان‌ها و میانی وجود دارد و این پیوندهای مشترک آن‌ها را دربرخی از نیروها و استعدادها به هم مربوط می‌سازد. این جامعه‌ای است که قرآن تعبیر به امت کرده است (جمشیدی، ۱۳۷۸: ص ۸۵).

شهید بهشتی نیز تقریری از نظریه امت ارائه کرده است که از نظر تعالیم مقدس اسلام، چنانچه نظام اسلامی در هر گوشه از جهان تحقق پیدا کند، حکومتی به وجود می‌آورد که مسئولیتش در داخل مرز محدودی قرار نمی‌گیرد و در قبال همه انسان‌ها و به خصوص همه مسلمان‌ها متعهد و مسئول می‌شود و این طبع و خصلت حکومت اسلامی است. او با دفاع از دو اصل پنجم و یازدهم قانون اساسی تأکید کرد که نظریه امامت و ولایت بدون نظریه امت ناقص است. اگر در بخشی از سرزمین اسلام حکومت اسلامی به وجود می‌آید، باید خود را مسئول تمامی ابعاد روحی و معنوی و سیاسی و اقتصادی آحاد جامعه بدانند. در این صورت تشکیل يك واحد سیاسی بزرگ جهانی در لوای اسلام امری طبیعی خواهد بود (فوزی تویسرکانی، ۱۴۰۰: ص ۸۵).

یکی از نویسندگان دانش حقوق بین الملل اسلامی، نظریه امت را این گونه تعبیر و تفسیر می‌کند که امت به گروهی می‌گویند که یا هدف واحدی آن‌ها را دور هم جمع کرده باشد یا گروهی که با هم در امری وحدت دارند. خواه در دین باشد و خواه در راه و روش، و یا حتی در زمان و مکان. حال اگر امت را به چنین معنای گسترده‌ای به کار ببریم آن را می‌توان حتی ترجمه ناسیون هم قرار داد؛ چه آن‌ها نیز سرانجام بر امر واحدی دور هم جمع شده‌اند. زبان واحد، نژاد واحد، نظام واحد، یا حکومت واحد. بدین لحاظ باید گفت که کاربرد واژه ملت در صورتی که حاکی از فرهنگ و راه و روش باشد، بر واژه امت، به معنای گسترده‌اش برتری خواهد یافت (ر.ک: خلیلیان، ۱۳۸۷: ص ۱۳۰).

هر چند که امت در اصل مفهومی گسترده دارد؛ در عرف اسلامی این واژه معنای أم (مادر) را به ذهن متبادر می‌کند؛ یعنی در روان‌شناسی اسلامی، امت همیشه به نوعی هم‌ریشگی مقید بوده که نه با مکان و خون که با داشتن یک ریشه معنوی مشترک (عقیده) تأمین می‌گردد. از این رو، آنچه امت را پدید می‌آورد، وضع سیاسی انسجام یافته‌ای نیست، بلکه اراده زندگی با هم

است، آن هم اراده‌ای که در پرتو قواعد اخلاقی، به ویژه آنچه در قرآن به عنوان چارچوب روابط اجتماعی ترسیم گردیده، پدید آمده است. اعضای امت اسلامی همه عبادالله یا بندگان خدا هستند. همبستگی بین آن‌ها در واقع به وسیله رشته‌های ایمان و باوری است که هر یک از مسلمانان را از رهگذر دین اسلام به خدای تعالی ربط می‌دهد. بنابر این، با توجه به اصالت و ویژه جامعه اسلامی، از حیث حکومت و قدرالله و وجود امت و نفی مرزهای سرزمینی، باید گفت که حکومت از زاویه دید اسلام، ماهیتاً جنبه ماورای ملی یا ماورای مرزی دارد. به تعبیر دیگر، می‌توان آن را نوعی حکومت عام ملل تلقی کرد که طبعاً با خصلت جهان شمولی، غیرمحلّی و غیرملی اسلام، سازگارتر نشان می‌دهد.

از منظر قرآن در روی زمین ابتدا تنها یک امت وجود داشت: «وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ»؛ و مردم جز يك امت نبودند. پس اختلاف پیدا کردند. و اگر وعده‌ای از جانب پروردگارت مقرر نگشته بود، قطعاً در آنچه بر سر آن با هم اختلاف می‌کنند، میانشان داوری می‌شد (یونس: ۱۹).

اما در طول تاریخ امت‌های بسیاری به وجود آمدند و امت‌های بسیاری محو یا نابود شدند. قرآن با دقت تمام، پیدایش، نابودی و سقوط امت‌های مختلف را که در مفهوم انجیلی می‌توان آن‌ها را اقوام مختلف نامید، توصیف می‌کند. به گفته قرآن، زوال و نابودی امت‌ها یا ملت‌ها به دلیل از دست رفتن ثروت یا قدرت اقتصادی یا حتی شرکت نظامی اتفاق نیفتاده است، بلکه فساد اخلاقی و منحرف شدن جامعه مورد نظر از موازین مذهبی که خداوند اراده کرده، باعث آن شده است. در هر حال، برای اسلام، امت بیش از هر چیز دیگری به اجتماعی انسانی اشاره دارد که وابستگی‌های مذهبی، آن‌ها را کنار هم قرار داده است و وابستگی‌های اجتماعی، قضایی، سیاسی، اقتصادی و اخلاقی را نیز به دنبال دارد (ر.ک: نصر، ۱۳۸۶: ص ۱۵۷).

اندیشمندان اسلامی عوامل ایجاد امت واحد در جهان اسلام را که ضامن حفظ و بقای وحدت باشند، به این صورت برمی‌شمرند:

الف) توحید تمام یکتاپرستان را در یک رابطه متحد می‌کند؛ به طوری که تمام موحدان به واسطه قبول بندگی خدا در جمیع حقوق و تعهدات با هم برابرند و او حاکم علی‌الاطلاق مسلمانان است. در درجه اول وجه مشترک و ملاک پیوند دهنده آحاد امت اسلامی ایمان به



وحدانیت خداوندی است که چون روحی حیات بخش در کالبد امت اسلامی است.

ب) جهانی بودن اسلام، مورد تردید نیست. اسلام در میان اقوامی گسترش یافته که نه تنها در نژاد، بلکه در زبان، ملیت، طرز فکر، جنبه‌های اقتصادی، موقعیت محیطی و سوابق تاریخی با هم هیچ گونه شباهتی ندارند. اسلام این گونه امتیازات ظاهری را نه تنها باعث برتری نمی‌داند، بلکه همه را یکسان و برابر می‌داند. اصول دیانت بیش از هر ایدئولوژی دیگری خواه مادی و خواه معنوی، بر اتحاد، برادری و برابری آن‌ها ناظر است.

ج) قرآن پیوسته رسالت حضرت محمد ﷺ را به مسلمانان بازگو می‌کند؛ رسالتی که نقش رهبری انسان‌ها به سوی برابری و برادری و تفاهم اخلاقی برعهده دارد (ر.ک: نور بخش، ۱۳۷۲: ص ۲۷).

از دیدگاه علامه طباطبایی، اخوت میان مؤمنان، اخوت تشریعی است و حقوقی را در بردارد. قرآن کریم، مؤلفه‌هایی چون اخوت، الفت میان مسلمانان، رحمت مسلمانان بر یکدیگر، عفو، فضل، صلح دادن، تعارف را برای ایجاد امت ضروری می‌داند. مجمل سخن آن که وحدت فکری و ایدئولوژیک مهم‌ترین مبنای وحدت در جامعه اسلامی است. برای استقرار وحدت و همبستگی در بین یک جمع یا امت، اشتراک در عقیده و جهان بینی از مبنای اولیه است و بدون وجود چنین اشتراکی هرگز نمی‌توان در انتظار برقراری و درستی حقیقی در بین افراد آن جمع بود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۳، ص ۳۷۱).

برخی از روایات، بر جنگ بین امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و برخی طوایف دلالت دارد که موضوعیت طایفه‌گری در متن آن نشان‌دهنده عزم امام بر برهم زدن نظم فعلی جهان مبتنی بر قبیله‌گرایی و طایفه‌گری و رفتن به سمت امت واحد اسلامی پساظهور است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

ثَلَاثَ عَشْرَةَ مَدِينَةً وَ طَائِفَةً يُحَارِبُ الْقَائِمُ أَهْلَهَا وَ يُحَارِبُونَهُ أَهْلُ مَكَّةَ وَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ وَ أَهْلُ الشَّامِ وَ بَنُو أُمِّيَّةَ وَ أَهْلُ الْبَصْرَةِ وَ أَهْلُ دَسْتِمِيسَانَ وَ الْأَكْرَادُ وَ الْأَعْرَابُ وَ ضَبَّةُ وَ غَنِيَّ وَ بَاهِلَةُ وَ أَرْدُ وَ أَهْلُ الرَّيِّ (نعمانی، ۱۳۹۰: ص ۲۰۰).

سیزده شهر و طایفه با حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف جنگ خواهند کرد و حضرت هم با ایشان خواهد جنگید، اهل مکه و مدینه و شام و بصره و دستمیسان - یا با توجه به فرمایش علامه مجلسی

دشت میشان، جایی بین اهواز و بصره است (مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۶۳). - کردها و اعراب، ...
(ر.ک: پورسیدآقایی و دیگران، ۱۳۹۷: ص ۱۶۴-۱۸۵).



نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه بیان گردید، الزام‌هایی را که انقلاب اسلامی در فرآیند مقدمه‌سازی حکومت مهدوی باید به صورت اثباتی در ایجاد یا گسترش برخی موارد و یا به صورت سلبی در ممانعت و جلوگیری یا کاهش موارد منفی رعایت کند، می‌توان در دو سطح الزام‌های معرفتی و عملی از منظر قرآن و حدیث جست‌وجو کرد. آگاهی‌افزایی یقینی و اطمینانی اجتماعی توسط انقلاب اسلامی به معنای دوری از خرافه‌گرایی و روی‌آوری به یقین روانشناختی، اعم از جزم فلسفی و اطمینان قلبی؛ شبیه‌سازی ذهنی در مقیاس کوچک و نمادین از حکومت مهدوی در آینه حکومت پیشاظهوری؛ تلاش معرفت‌بخش در خارج کردن اعتزال از مفهوم انتظار و خروج آن از انفعالی که قرن‌ها گریبانگیر آن بوده است، تحول روشی در مطالعات مهدویت با پیمایش از گزاره‌پژوهی به سوی دکتترین مهدویت و حرکت از نص‌پژوهی به نظام پژوهی مهدوی، از مهم‌ترین لازمه‌های معرفتی زمینه‌ساز حکومت مهدوی محسوب می‌شوند.

از سوی دیگر، شکل‌دهی جریانی برخی از دیدگاه‌های کلیدی انقلاب اسلامی به‌گونه بروز عملی و تحقق خارجی، هرچند محدود و ابتدایی، الزام‌های عملیاتی مقدمه‌ساز حکومت جهانی مهدوی است که ضروری است بیش از پیش با محوریت ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی جامعه عمل بپوشد؛ مانند چشاندن طعم موفقیت در سایه فعالیت تشکیلاتی؛ التزام به ولایت فقیه غیر معصوم، اما عادل و جامع شرایط راهبری جامعه اسلامی در دوران غیبت در ساحت مدیریت اجتماعی به مثابه تمرین ولایت‌پذیری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و تسلیم محض بودن در مقابل شئون مختلف آن حضرت؛ گسترش رفاه اجتماعی و زدایش فقر که سبب اشتیاق به عصر ظهور و دیدن بهشت زمینی پساظهوری می‌گردد؛ ایجاد محور مقاومت (به عنوان یکی از بنیان‌های تحقق امت اسلامی) در جهت ایجاد وحدت مطالبه و دعا از درگاه الهی و نیز ایجاد وحدت رویه و عمل در بین جوامع اسلامی در مقدمه‌سازی ظهور.



منابع

قرآن کریم.

۱. ابراهیمی، محمد و دیگران (۱۳۷۹). *اسلام و حقوق بین الملل*، تهران، سمت.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ق). *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، تهران، نشر جهان.
۳. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۳۰ق). *جمال الأسبوع بكمال العمل المشروع*، قم، دار الرضی.
۴. ابن عقده، حمد بن محمد (۱۳۸۲). *فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام*، قم، دلیل ما.
۵. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم (۱۴۲۳ق). *تأویل مشکل القرآن*، بیروت، دار الکتب العلمیة/ منشورات محمد علی بیضون.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۱ق). *لسان العرب*، بیروت، دار الفکر.
۷. افتخاری، علی اصغر (بهار ۱۳۷۷). «آرمان های انقلاب از دیدگاه امام خمینی»، مجله اندیشه حوزه، شماره ۱۲.
۸. امینی گلستانی، محمد (۱۳۸۵). *سیمیای جهان در عصر امام زمان علیه السلام*، قم، مسجد مقدس جمکران.
۹. پورسیدآقایی، سیدمسعود و زمانیان، مسلم (تابستان ۱۳۹۷). «موانع درونی امت اسلامی، پیشروی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف پس از ظهور»، مشرق موعود، شماره ۴۶.
۱۰. پوپر، کارل (۱۳۶۷). *درس های این قرن*، مترجم: علی پایا، تهران، طرح نو.
۱۱. جمشیدی، محمدحسین (۱۳۷۸). *اندیشه سیاسی شهید صدر*، تهران، نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
۱۲. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶). *مجموعه آثار سومین همایش بین المللی دکتربین مهدویت با رویکرد سیاسی و حقوقی*، قم، مؤسسه آینده روشن.
۱۳. چراغی کوتیانی، اسماعیل (۱۳۸۹). *همبستگی اجتماعی مهدوی، الگویی برای دولت و جامعه زمینه ساز*، مجموعه مقالات ششمین همایش بین المللی دکتربین مهدویت، جلد دوم.
۱۴. حسینی، سیدمحمد (۱۹۸۹م). *الامام الشهيد السيد محمد باقر صدر*، بیروت، دارالفرات.
۱۵. حسینی بهشتی، سیدمحمد (۱۳۹۴). *اصول انضباط تشکیلاتی در اسلام*، تهران، روزنه.
۱۶. خلیلیان، سیدخلیل (۱۳۸۷). *حقوق بین الملل اسلامی*، تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.



۱۷. خمینی، روح الله (۱۴۲۶ق). *الإجتهد والتقليد*، تهران، موسسه تنظيم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله.
۱۸. _____ (۱۴۳۴ق). *أنوار الهداية في التعليقة على الكفاية*، تهران، موسسه تنظيم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله.
۱۹. _____ (۱۳۷۱). *شؤون و اختيارات ولي فقيه، ترجمه مبحث ولایت فقيه از كتاب البيع*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي.
۲۰. _____ (۱۳۸۹). *صحيفه امام خميني*، تهران، موسسه تنظيم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله.
۲۱. ذوعلم، علی (۱۳۸۰). *تجربه کارآمدی حکومت ولایي*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامي.
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دار الشامیة.
۲۳. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۷). *تفسیر قرآن مهر*، قم، پژوهش های تفسیر و علوم قرآن.
۲۴. رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۵). *وظایف ما در عصر غیبت*، قم، مسجد مقدس جمکران.
۲۵. رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه*، محقق: صبحی صالح، قم، هجرت.
۲۶. روغنی، زهرا (۱۳۸۷). *شیعیان خوجه در آیینہ تاریخ*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۷. سبحانی، جعفر (۱۴۲۱ق). *الأضواء علی عقائد الشیعة الإمامیة*، قم، دار مشعر.
۲۸. سیاهپوش، امیر (زمستان ۱۳۹۷). «نتایج و دستاوردهای انقلاب اسلامی در منظر آیت الله خامنه‌ای»، مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۵۵.
۲۹. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه*، قم، فرهنگ اسلامي.
۳۰. صالح، صبحی (۱۹۶۵م). *النظم الاسلامیة*، بیروت، دارالعلم للملایین.
۳۱. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۳۲. _____ (۱۳۷۴). *شیعه در اسلام*، قم، انتشارات اسلامي.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق). *تفسیر جوامع الجامع*، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۳۴. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، مشهد، نشر مرتضی.
۳۵. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*، تهران، مکتبه الرضویة.
۳۶. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق). *مصباح المتهدد و سلاح المتعبد*، بیروت، مؤسسه فقه الشیعة.
۳۷. فوزی تویسرکانی، یحیی (۱۴۰۰). *جمهوری اسلامی ایران و جنبش های اسلام‌گرا*، تهران، پژوهشگاه

علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۳۸. کاظمی وریج، عباس (بهار ۱۳۸۱). «امام خمینی؛ احیای دین و نظریه ولایت مطلقه فقیه»، مجله حوزه و دانشگاه، شماره ۳۰.

۳۹. کریمی، جعفر (۱۳۷۸). *ولایت فقیه*، تهران، نمایندگی ولی فقیه.

۴۰. لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). *عیون الحکم و المواعظ*، قم، دار الحدیث.

۴۱. مجلسی، محمدباقر (بی تا). *بحار الانوار*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۴۲. محمدی، علیرضا (بهار ۱۳۸۴). *کارآمدی انقلاب اسلامی (مروری بر دستاوردهای اقتصادی انقلاب اسلامی)*، مجله معرفت، شماره ۸۹.

۴۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). *آینده انقلاب اسلامی ایران*، تهران، صدرا.

۴۴. _____ (۱۳۸۱). *مجموعه آثار*، قم، صدرا.

۴۵. معین الاسلام، مریم (تابستان ۱۳۸۳). «چشم‌اندازی بر برخی از آسیب‌های مهدویت»، مجله انتظار موعود، شماره ۱۱ و ۱۲.

۴۶. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق). *الارشاد*، قم، کنگره مفید.

۴۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۴۸. ملکوتیان، مصطفی (۱۳۹۰). *زمینه‌ها عوامل و بازتاب جهانی انقلاب اسلامی رهیافت فرهنگی*، قم، دفتر نشر معارف.

۴۹. موحدیان عطار، علی (۱۳۸۷). *از شک تا یقین*، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.

۵۰. نجفی قمشه‌ای، قدرت‌الله (۱۳۸۴). *با سالکان وادی نور*، قم، سلمان زاده.

۵۱. نور بخش، عبدالحییم (۱۳۷۲). *مشکلات جهان اسلام*، تهران، نشر تبلیغات اسلامی.

۵۲. نصر، سید حسین (۱۳۸۶). *قلب اسلام*، مترجم: صادق خرازی، تهران، نشر نی.

۵۳. هدایت نسب، نسربین (زمستان ۱۳۹۹). «تبیین مفهوم تشکیلات جامعه زمینه‌ساز ظهور حضرت

مهدی»، مجله مطالعات مهدوی، شماره ۵۰.

